

شکی نیست که اهل بیت رسول الله (ص) در میان اهل سنت مقام بلندی دارند و اهل سنت نسبت به آنان احترام بسیار قائل اند و حقوق آنها را آن گونه که خداوند در شریعت مقرر نموده است، رعایت می کنند. لذا آنان را دوست دارند و محبت و موالات شایسته ای نسبت به آنان دارند و به سفارش پیامبر (ص) در خصوص آنان عمل می کنند؛ همان وصیتی که در روز غدیر خم فرمود: و اذکرم الله فی اهل بیتی: شما را درباره رعایت حقوق اهل بیتم سفارش می کنم (صحیح مسلم با شرح نووی، کتاب فضائل صحابه، باب فضائل علی ۱۸۸/۱۵ حدیث/ ۲۴۰۸).

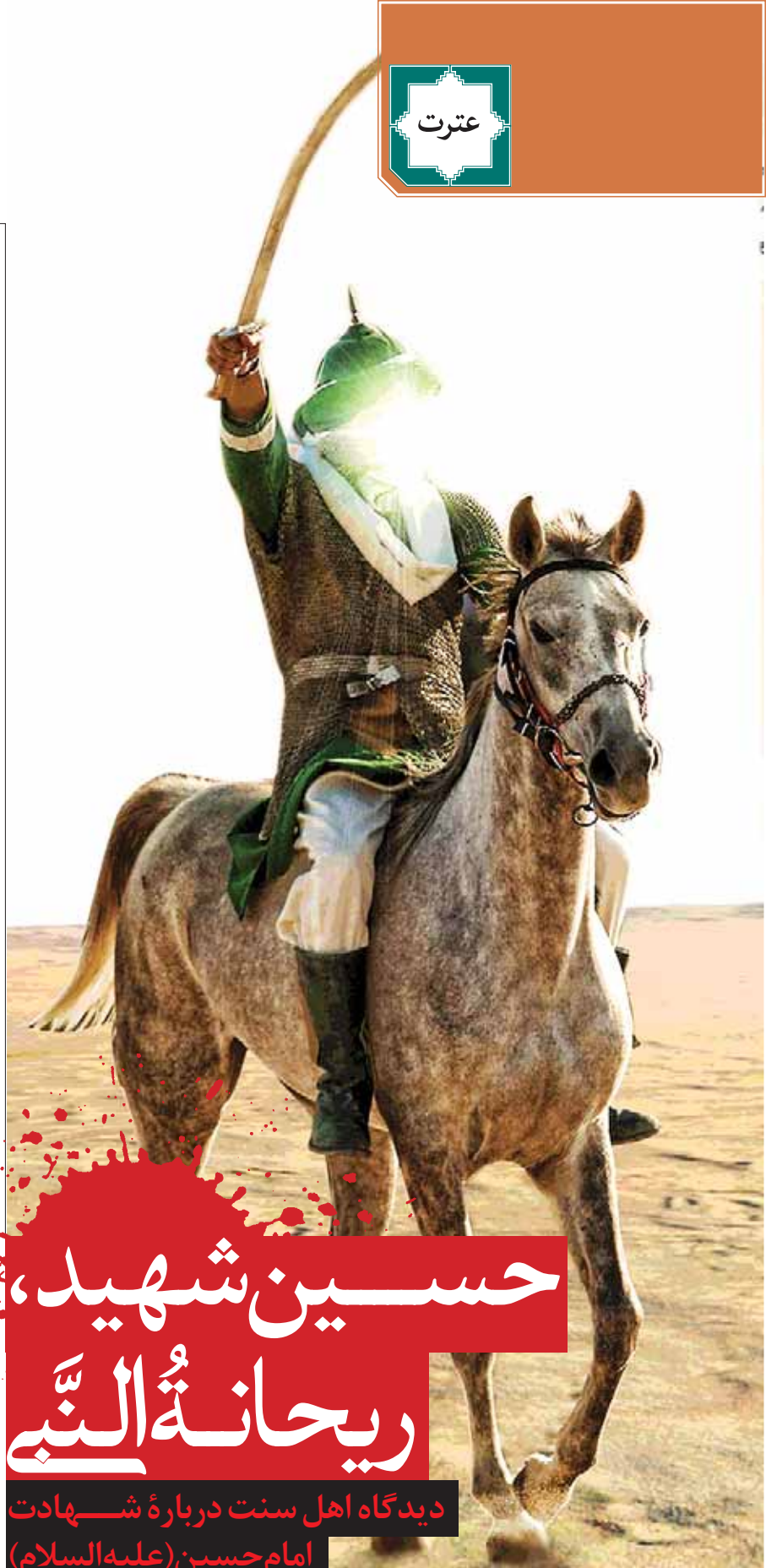
وقتی از حسین یاد می شود، بی شک نمی توان واقعه کربلا را نادیده گرفت. اما بر این باور هستیم که تاریخ حسین (ع) را اگر فقط در واقعه کربلا خلاصه کنیم، در حق ایشان و تاریخ و قدر و منزلتشان ستم روا داشته ایم. و از سوی دیگر، کم و کیف تفصیلی واقعه کربلا بیش از آن چیزی است که بتوان در این نوشتار اندک گنجانده پس تنها به جستاری از نظرات اندیشمندان متقدم و متأخر اهل سنت بسنده کرده و بیشتر به ابعاد شخصیتی آن بزرگوار، از لحاظ ایمان، تقوا و فقاقت، شجاعت و شهادت طلبی، پرداخته ایم.

حسینی که ما می خواهیم بشناسیم، حسین آل و اصحاب و پرورده دست مری حکیمی چون پیامبر (ص) و مادری شایسته چون فاطمه و پدری توانا چون علی است. او صحابی بزرگواری است که هم از شرافت صحبت و هم از افتخار قرابت با مقام نبوت برخوردار است.

کلیدواژه ها: پیامبر (ص)، علی (ع)، حسین، شهید کربلا، اهل سنت

منزلت حسین (ع) در نزد پیامبر (ص)

مسلم است، برترین مزیتی که در این دودمان وجود دارد، انتساب آنها به برگزیده ترین انسان ها، حضرت محمد (ص) است. اما ارتباط حسین (رض) با جد بزرگوارش چگونه بود؟ بهتر است بدانیم که جد بزرگوارش حضرت محمد (ص) به وی و برادرش حسن (رض) با چه نگاهی می نگریستند؟



حسین شهید، ریحانه النبی

دیدگاه اهل سنت درباره شهادت امام حسین (علیه السلام)

حمزه خان بیگی
دبیر دبیرستان های اشنویه

احادیث صحیح و گویایی داریم که در معرفی جایگاه و منزلت او و برادر بزرگوارشان در نزد پیامبر(ص) ما را یاری می‌دهند. از **براء بن عازب**(رض) روایت است که رسول‌الله(ص)، حسنین(رض) را دید و فرمود:

«پروردگارا من این دو را دوست دارم، تو نیز دوست‌شان بدار». (ترمذی، المناقب، ص ۶۶۱). در این حدیث، فضیلتی آشکار برای حسنین(رض) است؛ چون پیامبر امتش را به محبت آن دو تشویق کرده و توضیح داده که محبت آن دو، به معنای دوست داشتن پیامبر(ص) است.

رسول‌الله(ص) آنان را بسیار دوست می‌داشت و دوستی آنان را دوستی با خویش و دشمنی با آنان را دشمنی با خویش می‌شمرد. امام احمد در مسند از **ابوهریره**(رض) آورده است که رسول‌الله(ص) فرمودند: «هر کس آنان (حسن و حسین) را دوست بدارد، مرا دوست داشته است و هر کس با آنان دشمنی کند با من دشمنی کرده است». (مسند أحمد، حدیث شماره ۷۸۶۳).

ابوسعید خدری(رض) روایت می‌کند، رسول‌الله(ص) فرمود: «حسن و حسین سروران جوانان بهشت‌اند». (مسند احمد ۳/۳ و ترمذی، المناقب: ۶۵۶). و می‌گوید حسن صحیح است و حاکم در مستدرک ۳-۱۶۶-۱۶۷ و در روایتی دیگر و (ابوهما خیر منهما) و ابن خزیمه فی صحیحه ۲۰۶/۲ و الهیثمی فی مجمع الزوائد ۱۸۴/۹ و طبرانی هم روایت کرده‌اند که اسناد آن حسنین است و آلبانی در الاحادیث الصحیحه ۴۴۸/۲).

در این حدیث، دو فضیلت بزرگ برای حسنین(رض) است؛ چون پیامبر به بهشتی بودن آن دو گواهی داده و نیز خبر داده‌اند که آن دو سروران جوانان بهشت‌اند.

برای درک عمق ارتباط صمیمانه رسول‌الله(ص) با دو نوه‌اش حسن و حسین (رضی الله عنهما) ضروری است که اندکی به سیره عطرآگین و پرحادثه رسول‌الله(ص)، که احساسات انسانی رسول‌الله(ص) را با خوشی‌ها و شادمانی‌ها و غم و اندوهی که به دوش می‌کشد، پردازیم و آن را با قلبی ایمانی مرور کنیم:

آری، رسول‌الله(ص) وقتی فرزندان پسر خویش (قاسم و عبدالله و ابراهیم) را از دست دادند، با توجه به اهمیت فرزندان پسر نزد مردم در بقای نسل، مشرکان مکه این را بهانه‌ای برای فشار آوردن بر رسول‌الله(ص) و بر دعوت ایشان

قرار دادند. یکی از این افراد شقی و بدفرجام **عاص بن وائل سهمی** است که هرگاه از رسول‌الله(ص) یاد می‌شد، می‌گفت: «او را بگذارید، او مردی است که نسلی ندارد و اگر بمیرد یاد و خاطره‌اش از بین می‌رود و شما از دست او راحت می‌شوید».

خداوند متعال در دفاع از رسول‌الله(ص) این آیه را نازل فرمود: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (کوثر/۳): بی‌گمان دشمنت خود بی‌دنباله (و بدون نسل) است». (أنساب الأشراف: ۶۲؛ سیره ابن هشام: ۲۶۵).

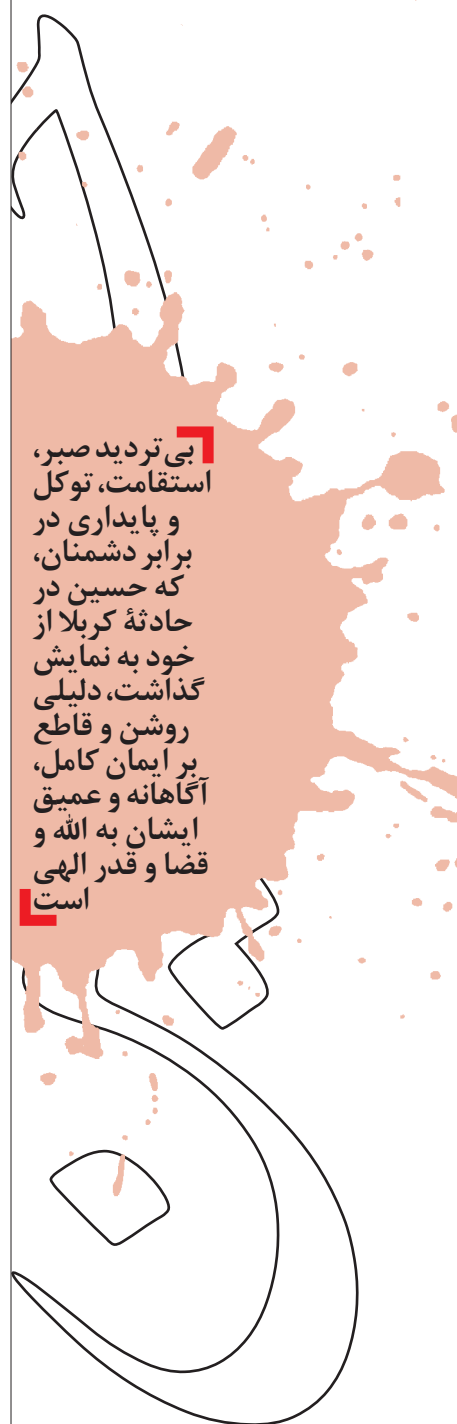
تاریخ و سیره نبوی لحظه‌های اندوه و غم رسول‌الله(ص)، آن پدر مهربان را که از فراق جگرگوشه‌هایش، خصوصا ابراهیم، متأثر بود، به همراه دارد. در نهایت، رسول‌الله(ص) عاطفه سرشار پدری خویش را نثار پسران دخترش فاطمه (رضی الله عنها) نمودند و آنان ریحانه‌های ایشان در این دنیا بودند.

امام بخاری از **ابن ابی نعم** روایت کرده است که می‌گوید: «من حضور داشتم که مردی از **عبدالله بن عمر** (رضی الله عنهما) درباره خون پشه سؤال کرد. وی گفت: اهل کجایی؟ گفت: اهل عراق هستیم. ابن عمر (رضی الله عنهما) گفت: این از خون پشه می‌پرسد و حال آن که فرزند رسول‌الله(ص) را مظلومانه کشتند. سپس فرمود: خودم از رسول‌الله(ص) شنیدم که فرمودند: حسن و حسین ریحانه‌های من از دنیا هستند. (صحیح بخاری، الأدب، حدیث شماره ۵۹۹۴؛ فضائل أصحاب النبی، حدیث شماره ۳۷۵۳).

حافظ بن حجر در ذیل این حدیث می‌گوید: «آنان را به ریحانه تشبیه کردند، زیرا فرزند را نیز همانند آن می‌بویند و می‌بوسند... و ترمذی نیز از انس(رض) روایت کرده است رسول‌الله(ص) حسن و حسین را می‌طلبیدند و آنان را می‌بوییدند و در آغوش می‌گرفتند». (فتح الباری: ۴۶۹؛ ترمذی، المناقب، باب مناقب الحسن و الحسين، حدیث شماره ۳۷۷۲).

حافظ ابونعیم وی را چنین معرفی کرده است: «ابوعبدالله؛ حسین بن علی بن ابی طالب، ریحانه و شبیه رسول‌الله(ص) است. آن حضرت(ص) پس از ولادت وی در گوش او اذان گفتند. وی سرور جوانان بهشت و پنجمین نفر اهل کساء و فرزند سیده‌النساء است، پدرش پاسدار حوض و ذوالجناحین عموی اوست. وی دست‌پرورده نبوت است که در دامن اسلام پرورش یافته و از منبع ایمان تغذیه شده است» (معرفة الصحابة ۶۶۱/۲).

تاریخ و سیره نبوی
لحظه‌های اندوه و غم
رسول‌الله(ص)، آن پدر
مهربان را که از فراق
جگرگوشه‌هایش،
خصوصا ابراهیم، متأثر
بود، به همراه دارد. در
نهایت، رسول‌الله(ص)
عاطفه سرشار پدری
خویش را نثار پسران
دخترش فاطمه (رضی
الله عنها) نمودند
و آنان ریحانه‌های
ایشان در این دنیا
بودند



بی تردید صبر،
استقامت، توکل
و پایداری در
برابر دشمنان،
که حسین در
حادثه کربلا از
خود به نمایش
گذاشت، دلیلی
روشن و قاطع
بر ایمان کامل،
آگاهانه و عمیق
ایشان به الله و
قضا و قدر الهی
است

توجه و مواظبت رسول الله (ص) به نوه‌هایش بدان جا رسیده بود که برای محافظت آنان از هرگونه بدی، همواره با دعا آنان را از هر گزند احتمالی به پناه خداوند واگذار می‌کردند.

امام بخاری از ابن عباس (رض) آورده است که رسول الله (ص) حسن و حسین (رضی الله عنهما) را با این دعا از گزند شیطان دور می‌کردند و می‌فرمودند: «پدرتان ابراهیم در حق اسماعیل و اسحاق چنین دعا می‌کرد: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَ هَامَّةٍ وَ مِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَةٍ». (صحیح بخاری، حدیث شماره: ۳۳۷۱): پناه می‌برم به کلمات تامه الهی از گزند هر شیطان و حیوان مودی و چشم شوری.

احساسات پدران ایشان آن‌گاه به اوج خود می‌رسید که از بالای منبر و هنگام ایراد خطبه و موعظه مؤمنان به تقوا و کارهای شایسته، نوه‌های خردسال خویش را مشاهده می‌فرمودند که جست‌وخیز کنان به سوی ایشان می‌آیند و ایشان بی‌اختیار خطبه را ناتمام می‌گذاشتند و از منبر پایین می‌آمدند و آنان را در آغوش می‌گرفتند و بالای منبر می‌بردند.

خدا یا! قلب پیامبر (ص) چه شفقت گسترده‌ای برای خردسالان داشت و چه عاطفه پدری عمیقی در آن نهفته بود!

ابوداود از بریده (رض) چنین نقل می‌کند که: «رسول الله (ص) در حال ایراد خطبه بودند که حسن و حسین که لباس سرخ رنگی بر تن داشتند، جست‌وخیز کنان آمدند. رسول الله (ص) از منبر پایین آمدند و آنان را به دوش گرفتند و به منبر رفتند و سپس فرمودند حقا که خداوند متعال راست فرموده است که مال و فرزند مایه آزمایش هستند. من این‌ها را دیدم و نتوانستم خودم را کنترل کنم و سپس خطبه را ادامه دادند. (ابوداود، حدیث شماره ۱۱۰۹. آلبانی آن را صحیح دانسته است).

استقامت و توکل حسین شهید (رض)

بی تردید صبر، استقامت، توکل و پایداری در برابر دشمنان، که حسین (رض) در حادثه کربلا از خود به نمایش گذاشت، دلیلی روشن و قاطع بر ایمان کامل، آگاهانه و عمیق ایشان به الله و قضا و قدر الهی است.

حافظ بن قیوم توکل و استقامت ایمانی حسین (رض) را چنین بازگو می‌کند: «حسین (رض) می‌دانست که دشمنان فقط او را می‌خواهند و با دیگران کاری ندارند. ایشان به همراهان خود اختیار داد که هر کس می‌خواهد،

اجازه دارد خود را از مرگ نجات دهد و خود را نیز برای مقابله با دشمن آماده کرد، ولو اینکه جز چند نفری با او باقی نمانند. سپس به همراهان خود فرمود هر کس می‌خواهد شبانه نزد خانواده‌اش برگردد. من به او اجازه دادم. اینان مرا می‌خواهند. مالک بن نضر گفت: من مدیون و عیال‌وار هستم. فرمود: شب فرا رسیده، در تاریکی آن بروید و هر کس دست یکی از مردان اهل بیت مرا بگیرد و در تاریکی شب در صحرا و به شهرها و مناطق خود بروید. اینان مرا می‌خواهند، اگر مرا به دست بیاورند، دنبال کسی دیگر نمی‌روند، بروید تا آنکه خداوند فرجی بیاورد...» (ابن کثیر، البداية: ۵۳۰).

ایشان شیعی پیش از آن در مسیر عراق خوابی دید و از خواب بیدار شد و با زبان یک مؤمن استوار فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، و ادامه داد: در خواب دیدم که فردی اسب سوار می‌گفت اینان به سوی مرگ پیش می‌روند و من دانستم که از مرگ ما خبر می‌دهد (همان، ص ۵۲۶).

ایشان در گرما گرم معرکه که دل‌ها از جا کنده می‌شود، با اعتماد و اطمینان با پروردگارش راز و نیاز می‌کند و می‌گوید:

اللهم أنت ثقتي في كل كرب، و رجائي في كل شدة، وأنت لي في كل أمر نزل بي ثقة وعدة، فكم من هم يضعف الفؤاد، وتقل فيه الحيلة و يخذل فيه الصديق، و يشمت فيه العدو، فأزله بك، و شكوته إليك رغبة فيك إليك عمن سواك، ففرجته، وكشفته، وكفيتني، فأنت ولي كل نعمة و صاحب كل حسنة و منتهي كل غاية (البداية ج ۱، ص ۵۱۶):

«پروردگارا! در هر غم و سختی اعتماد و امید من به توست. در هر کاری که برایم پیش می‌آید اعتماد و توانم تویی. چه بسا غم‌هایی که فراتر از توان تحمل قلب بوده که راه و چاره‌ای نداشته، دوستان در آن خود را کنار کشیده و دشمنان به شادی پرداخته‌اند، من آن را به تو سپرده‌ام و به تو از آن شکوه کرده و از دیگران خود را به امید تو بریده‌ام، و تو آن غم‌ها و سختی را گشوده‌ای و از من دور ساخته‌ای. خدا یا! تو ولی هر نعمت و صاحب هر حسنه و نهایت هر مقصد هستی.»

عبدالله بن عمار، حسین (رض) را در میدان معرکه چنین توصیف می‌کند: حسین (رض) را دیدم که از هر طرف او را فرا گرفته بودند و بر

سمت راست خویش چنان یورش می برد که همه پراکنده می شدند. والله من مردی دلیرتر و مصمم تر از او، که اهل و اصحابش در برابرش کشته شوند، ندیده ام. والله نه قبل از او چنین کسی را دیده ام و نه پس از او... (البداية: ۲۰۴).

امام حسین (رض) از منظر اندیشمندان سلف و معاصر اهل سنت

حافظ بن کثیر در مورد علاقه امام حسین (رض) به شعر و شاعری می گوید: «از آن جمله، شعری است که ابوبکر بن کامل از عبدالله بن ابراهیم ذکر کرده و گفته است که آن شعر از حسین (رض) است:

اغن عن المخلوق بالخالق
تعن عن الكاذب والصادق
واسترزق الرحمن من فضله
فليس غير الله من رازق
من ظن أن الناس يغنونه
فليس بالرحمن بالوائق
أو ظن أن المال من كسبه
زلت به النعلان من حالق

ترجمه

با خالق، خود را از مخلوق بی نیاز کن
که از کاذب و صادق بی نیاز می گردی.
روزی را از خدای رحمان بطلب، غیر از او
رزق دهنده ای نیست.
هر کس بیندازد که مردم او را بی نیاز
می گردانند، در واقع به خدای رحمان
اعتماد ندارد.

هر کسی گمان کند که مال را خود کسب کرده است، به راستی که از بلندای کوهی سر به فلک کشیده سقوط کرده است. (البداية و النهاية: ۵۹۳؛ تاریخ دمشق: ۱۸۶).

ابن کثیر، از علمای معروف شافعی مذهب، درباره ارج و منزلت امام حسین (رض) می نویسد: پیامبر خدا امام حسن (رض) و حسین (رض) را گرامی می داشت و محبتش در حق آنها زاید الوصف بود. لذا امام حسین (رض) از صحابه پیامبر به شمار می رود و با آن حضرت تا دم مرگ آن بزرگوار محشور و صاحب بوده و حضرت رسول نیز از او رضایت کامل داشته، اگرچه حسین (ع) در سنین کودکی بود. پس از پیامبر (ص) سایر صحابه و خلفا نیز او را گرامی

می داشتند و بعد از این سه خلیفه حسین (رض) از صحابه پدر گرامی اش به شمار می رفت و از او حدیث روایت می کرد و در تمام حالات نیز با او همراه بوده است (ابن کثیر، البداية: ۱۴۲).

ایشان ادامه می دهد: حسین (رض) در میان تمام مردم از ارج و عظمت بالایی برخوردار بوده است و مردم علاقه شدید به او داشته اند، زیرا فرزند پیامبر بود و روی زمین هیچ نظیری نداشت (همان، ص ۱۴۴).

ابن کثیر نیز مانند سایر محدثان و مورخان حدیث «حسین منی و انا من حسین» را نقل کرده است (همان، ص ۱۹۴).

اعتقاد ما درباره شهادت حسین (رض)

قبلاً به این حقیقت اشاره کردیم که حسین (رض) مظلومانه شهید شد.

حافظ بن کثیر می گوید: هر مسلمانی باید از قتل حسین (رض) اندوهگین شود. او از سادات مسلمین و علمای صحابه و پسر برترین دخت رسول خدا (ص) است و بسیار عابد و شجاع و سخاوتمند بود. (البداية والنهاية: ۲۰۵).

بدون تردید قتل حسین (رض) از بزرگ ترین گناهان است و کسی که به آن اقدام نموده و یا به آن راضی بوده و همکاری نموده، مستحق عذاب الهی است. تمام سلف، قتل حسین (رض) را شنیع می دانستند. ابراهیم نخعی می گوید: اگر من از قاتلان حسین (رض) بودم و به بهشت هم می رفتم، خجالت می کشیدم به چهره رسول الله (ص) نگاه کنم (طبرانی، الکبیر: ۱۹۵؛ هیثمی: ۱۹۴).

عبدالرحمن، سربازی از علمای معاصر، در این زمینه نوشته است: «به محض اینکه منصب زمامداری و حکومت از مسیر اصلی خود انحراف پیدا کرد و ناهلانی مانند یزید زمام امور را به دست گرفتند، حضرت سرور شهیدان تا پای جان خود و عزیزانش ایستادگی فرمود و با نثار خون پاکش روسیاهی باطل و سربلندی حق را بر صفحات تاریخ عالم تا قیام قیامت ثبت نمود» (سربازی عبدالله، ۱۳۷۲: ۳۱-۳۰). همچنین، ایشان در جایی دیگر چنین گفته است: «حسین (رض) در نظر خلفای راشدین و تمامی صحابه کرام دارای اهمیت و عظمت بی پایانی بود و همه به او با دیده احترام و قدردانی و به حیثیت یک صحابی جلیل القدر و فرزند دخت رسول



هر مسلمانی باید از شهادت حسین (رض) اندوهگین شود. او از سادات مسلمین و علمای صحابه و پسر برترین دخت رسول خدا (ص) است و بسیار عابد و شجاع و سخاوتمند بود

نگاشته شده است. روز عاشورا یکی از آن

روزهاست.»

از نظر عقاد، امام حسین در تمام مدت نهضت خود طرفدار صلح بود و نه جنگ و شدت عمل و هیچ‌گاه نیز نمی‌خواست به تدابیر فریبنده، که امکان پیروزی او را بر دولت اموی صد چندان می‌کرد، متوسل شود.

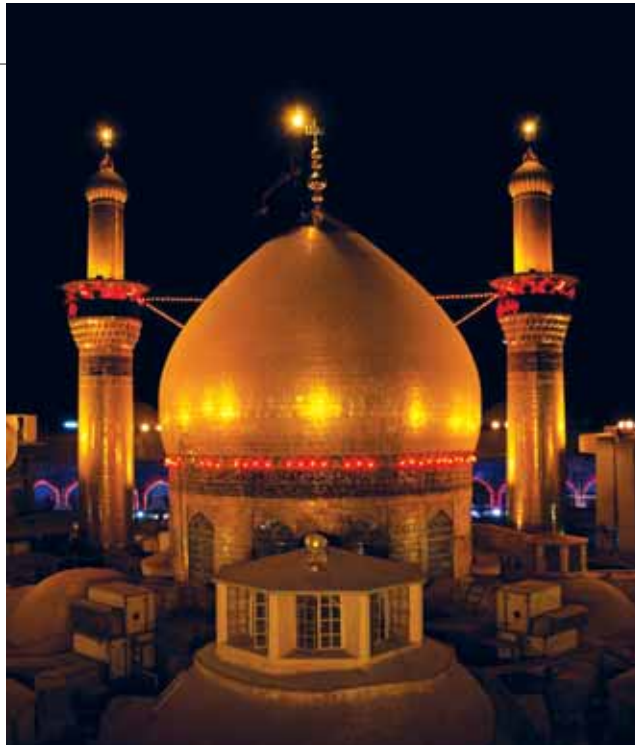
امام حسین بنده مؤمن و فداکار خداوند بود که به هیچ‌وجه و خلاف تصورات موجود درباره‌ی وی، هرگز خیال پرور و رویایی نبوده تا یک خواب عادی بر سر تربیت پیغمبر(ص) او را برای قیام علیه بنی‌امیه مصمم سازد، بلکه علت قیام را باید در ماهیت حکومت بنی‌امیه جست. امام حسین(رض) به دلیل فاسد بودن رژیم بنی‌امیه بود که مانند یک انقلابی شرافتمند - با وجود آگاهی‌اش از شرایطی که همگی به زیانش بود - خود را برای قیام علیه آن مجبور می‌دید. اگر چه قیام او نه برای ساقط کردن بنی‌امیه، بلکه برای از پا در آوردن آن طراحی شده بود (عباس محمود عقاد، ابوالشهداء، الامام الحسین).

محمد غزالی، از نویسندگان توانا و اندیشمند نوگرای شهیر مصری است که عمدتاً با دید رادیکالیستی به تحلیل واقعه‌ی عاشورا پرداخته است. از نظر وی، امام حسین(ع) با مرگ قهرمانانه‌ی خویش راه جدیدی به عدالت‌جویان تاریخ نشان داد و آن دفاع از آرمان خود، حتی با پذیرش شکست ظاهری، بود.

چهره‌ی زنده‌یاد علامه اقبال لاهوری (متوفای ۱۹۳۸ م) در میان شاعران اهل سنت، که به ستایش از امام حسین(ع) و نهضت عاشورا پرداخته‌اند، بیشتر از همه می‌درخشد و این اثربخشی بسیار شدید و عمیق نهضت عاشورا را در تفکر جدید سیاسی اهل سنت و هنر و ادبیات آنان نشان می‌دهد.

شاید اقبال لاهوری در قرن اخیر بیش از هر شاعر دیگر اهل سنت نهضت حسینی را با ملاحظاتی تفکرآمیز به ادبیات منظوم فارسی وارد کرده است. امام حسین از نظر اقبال شخصیت ایمانی کاملی برای برانگیختن و بیدار ساختن ملت‌های خوابیده‌ی مسلمان است و نیز مبارزه‌ی مؤثر و شهادت فداکارانه‌اش تفسیرکننده‌ی رازهای پنهان قرآن است.

هر که پیمان با هوالموجود بست
گردنش از بند هر معبود رست
تیغ بهر عزت دین است و بس
مقصد او حفظ آیین است و بس
خون او تفسیر این اسرار کرد



اکرم(ص) و به حیث یک عالم، عابد، مجاهد، بهادر و فیاض نگاه می‌کردند و آن حضرت را محبوب و از اعماق قلب عزیز می‌شمردند.» (سربازی عبدالله، ۱۳۷۲: ۲۷).

شیخ محمد عبده، مصلح بزرگ جهان اسلام، می‌نویسد: «هنگامی که در دنیا حکومت عادلانه وجود دارد و هدفش اقامه‌ی شرع و حدود الهی است و در برابر آن حکومتی ستمگر است که می‌خواهد حکومت عدل را تعطیل کند، بر هر مسلمانی یاری و مساعدت حکومت عدل واجب است و در همین باب انقلاب امام حسین علیه‌السلام است که در برابر حکومت یزید، که خدا او را خوار کند، ایستاد.» محمدعلی جناح، رهبر بزرگ پاکستان، می‌گوید: «به عقیده‌ی من تمام مسلمین باید از سرمشق این شهید والایی که خود را در سرزمین عراق قربانی کرد، پیروی نمایند» (مودودی، استشهاد الامام الحسین(رض)).

شیخ عبدالحمید گشک، روحانی مبارز مصری، درباره‌ی عظمت نهضت مقدس امام حسین(رض) می‌گوید: «در ایام تاریخ روزهای گران‌قدری وجود دارند که انسان نسبت به این روزها احساس غرور و سربلندی می‌کند. همین‌طور در تاریخ اسلام روزهایی وجود دارند که نام آن روزها با حروف نورانی بر لوح‌های طلائی

امام حسین
از نظر اقبال
شخصیت ایمانی
کاملی برای
برانگیختن و
بیدار ساختن
ملت‌های
خوابیده
مسلمان است
و نیز مبارزه
مؤثر و شهادت
فداکارانه‌اش
تفسیرکننده
رازهای پنهان
قرآن است

منبع

۱. قرآن کریم

۲. اعلام الموقعین عن رب العالمین. ابن قیم الجوزیه و محمد بن ابی بکر. تحقیق طه عبد الرؤوف سعد دار الجیل. بیروت. ۱۹۷۳ م.
۳. أبناء رسول فی كربلاء. خالد محمد خالد. ترجمه حسن فرامرزی با عنوان «فرزندان پیامبر در كربلا».
۴. ابوالشهداء، الامام الحسین. عباس محمود عقاد. ترجمه مسعود انصاری با عنوان «واقعه كربلا».
۵. استشهاد الامام الحسین (رض). سید ابوالاعلی مودودی.
۶. البدايه و النهايه، ابن کثیر. دار الحديث. قاهره. ۱۴۱۳ ق.
۷. المعجم الكبير لابی القاسم سليمان بن احمد الطبرانی. ۲۶۰ - ۳۶۰. دار المكتبة العلوم و الحكم. طبعه ۱۴۰۶ م و ۱۹۸۵ م.
۸. ذکر ابی الشهداء. سید قطب.
۹. روح المعانی (تفسیر الالوسی). محمود الالوسی البغدادي. دار الفكر. طبعه ۱۴۰۲.
۱۰. سنن ابی داود. الامام ابوداود سليمان السجستاني. تحقیق و تعليق عزت الدعاس. سوريا. ۱۳۹۱ م.
۱۱. سنن الترمذی. الامام ابو عیسی محمد بن عیسی الترمذی. دار الفكر. ۱۳۹۸.
۱۲. سنن النسائی. ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب النسائی. مطبعة مصطفى الحلبي. القاهرة. ۱۹۶۴ م.
۱۳. سیر اعلام النبلاء. شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان الذهبي. مؤسسه الرساله - المطبعة الاولى، ۱۴۰۳.
۱۴. شرح النووی علی صحیح مسلم للامام النووی (بوز کربا محیی الدین یحیی ابن شرف، المتوفی ۶۷۶ هـ - طبع المطبعة المصرية و مکتبتها - القاهرة - عالم ۱۳۴۹).
۱۵. شهسوار كربلا. عبدالرحمن سربازی. زاهدان. انتشارات صدیقی. چاپ دوم، بهار ۱۳۷۲.
۱۶. شهید كربلا. تألیف مفتی محمد شفیع دؤنبندی. ترجمه محمد امین حسین.
۱۷. صحیح البخاری. محمد اسماعیل البخاری. دار الفکر الطبعه الاولى. ۱۴۱۱ و ۱۹۹۱ م.
۱۸. صحیح مسلم بشرح النووی. المطبعة المصرية بالازهر. الطبعه الاولى، ۱۳۴۷ - ۱۹۲۹ م.
۱۹. صحیح سنن ابن ماجه. ناصر الدین الالبانی. مکتب التربية العربی لدول الخلیج الرياض. الطبعه الثالثه. ۱۴۰۸ و ۱۹۸۸ م.
۲۰. صحیح مسلم. تحقیق محمد فواد عبدالباقي. دار احیاء التراث العربی. بیروت - لبنان. الطبعه الثانيه. ۱۹۷۲ م.
۲۱. طریق الهجرة تیس و باب السعادتین. ابن قیم الجوزیه. محمد بن ابی بکر. تحقیق: عمر بن محمود أبو عمر. دار ابن القيم، الطبعه الثانيه. ۱۴۱۴ و ۱۹۹۴ م.
۲۲. فتح الباری. ابن حجر العسقلانی. دار المعرفه. بیروت. بی تا.
۲۳. مجمع الزوائد و منبع الفوائد. نور الدین علی بن ابی بکر الهیثمی. الطبعه الثالثه. سنه ۱۴۰۲ و ۱۹۸۲ م. دار الکتب العربی. بیروت.
۲۴. مجموع فتاوی. شیخ الاسلام ابن تیمیه جمع عبدالرحمن بن محمد قاسم العاصمی التجدی. المکتب التبلیغی السعودی بالمغرب.
۲۵. مدارج السالکین. ابن قیم الجوزیه. محمد بن ابی بکر. بیروت. دار الکتب العربی. الطبعه الثانيه. ۱۳۹۳ - ۱۹۷۳ م.
۲۶. مسند الامام احمد بن حنبل. امام ابی عبدالله احمد بن محمد بن حنبل. چاپخانه المیمنیة قاهره. چاپ اول ۱۳۱۳ و ۱۸۹۵ م. تصویر المکتب الإسلامی. بیروت. چاپ چهارم ۱۴۰۳ و ۱۹۸۳ م.
۲۷. منهاج السننه النبویه. لابی العباس احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه مؤسسه قرطبه للطباعه و النشر و التوزیع. الطبعه الاولى ۱۴۱۶ و ۱۹۸۶ م.

چنین می نویسد: «ثمره نهضت حسین (رض) پیروزی بود یا شکست؟ در دایره و مقیاس کوچک ثمره این حرکت چیزی جز شکست نبود، ولی در عالم واقع، حرکتی پرفروغ و در مقیاس بزرگ و وسیع، پیروزی بود. هیچ شهیدی در سراسر زمین مانند حسین (رض) نیست که احساسات و قلبها را قبضه کند و نسلها را به غیرت و فداکاری بکشانند. چه بسیار از کسانی که اگر هزار سال هم می زیستند، امکان نداشت عقیده و دعوتشان را گسترش دهند. ولی حسین (رض) عقیده و دعوتش را با شهادتش به کرسی نشانند. هیچ خطابه ای نتوانست قلبها را به سوی خود سوق دهد و میلیونها نفر را به انجام اعمال بزرگ بکشانند، مگر خطبه آخر حسین علیه السلام که با خون خود آن را امضا کرد و برای همیشه موجب حرکت و تحول مردم در خط طولانی تاریخ گردید (قطب سید، ذکری ابی الشهداء).

آری، او به ما آموخت که مؤمن حقیقی و دلباخته معبود باید در ره حق بکوشد و از هیچ چیز جز او نهراسد و از خود هیچ کوتاهی نشان ندهد، و پس از آن است که آسمان ادامه ماجرا را در دست می گیرد و اینجاست که معجزه الهی به میدان کارزار و عمل می آید و سخن می گوید!

هرگاه عقل بشر در پرتو ایمان صادق در رکاب نبوت به پا خیزد، و جز اخلاص و ایمان هیچ نکارد، معجزه ید بیضایی به مانند موسی (ع) در دستان او خواهد نهاد.

آری، حماسه پرشور و آه كربلا حماسه سرزمین پلیدی است که جز کرب و بلا هیچ ارمانی برای تاریخمان نیاورد؛ حماسه خاکی که با مکیدن خون پسر رسول خدا برای همیشه مهر پلیدی بر پیشانی خود نهاد.

آری، پیام حرکت استشهادی سالار شهیدان در كربلا نگاشته شد و تا امروز جاری است در حلقوم پادشاهانی که مهار ملتها، راه آن روزی که روده نافشان بریده می شود، در دست می گیرند و جاری است در گلو حکام زورگو و جاه طلب و خودخواه و خودرأی و متقلب و چپاول گر...

آری، جنگ حق و باطل نبردی است ازلی که ناقوس آن در روز خلقت دمیده شده است و تا روز پیروزی حق بر باطل در محشر ادامه خواهد داشت.

ملت خوابیده را بیدار کرد تیغ را چون از میان او برکشید از رگ از باب باطل خون کشید نقش «الا الله» بر صحرا نوشت سطر عنوان نجات ما نوشت... رمز قرآن از حسین آموختیم ز آتش او شعلهها اندوختیم

همچنین اقبال به مادران امروز توصیه می کند فرزندان حسین وار تربیت کنند:

هوشیار از دستبرد روزگار گیر فرزندان خود را در کنار تا حسین شاخ تو بار آورد موسم پیشین به گلزار آورد

اقبال لاهوری فلسفه عاشورا را در حریت بخشی می داند. از دید اقبال، قیام امام حسین (رض) و یارانش برای حفظ آزادگی و گریز از بندگی طاغوت و غیر خدا و اثبات بندگی نسبت به خدا و برخوردار ساختن دیگران از آزادی در سایه تبعید الهی بود. وی این گونه می سراید:

چون خلافت رشته از قرآن گسیخت حریت را زهر اندر کام ریخت خواست آن سر جلوه خیر الأمم چون سحاب قبله یاران در قدم بر زمین كربلا بارید و رفت لاله در ویرانه ها کارید و رفت. در نوای زندگی سوز از حسین اصل حریت بیاموز از حسین

سپس اضافه می کند:

تا قیامت قطع استبداد کرد موج خون او چمن ایجاد کرد بهر حق در خاک و خون غلتیده است پس بنای لا اله گردیده است (سربازی عبدالله، ۱۳۷۲: ۹-۱۱).

خالد محمد خالد از دیگر نویسندگان مذهبی نوگراست که کارهای او، شاید پس از نوشته های کامل البناء، در ردیف دوم قرار گیرد. او در کتاب مستقلى که زیر عنوان «بناء الرسول من كربلا» تألیف کرده، با نگاهی آرمان گرایانه به بررسی نهضت عاشورا پرداخته است.

درس بزرگ كربلا از نظر خالد محمد این است که ایشار و شهادت طلبی حسین (رض) باید برای همیشه سرمشق مسلمانان باشد و ستایش و تمجید شود.

و در نهایت، حسن ختام نظرات اندیشمندان اهل سنت را با گفته شهید سید قطب (ره) می آوریم که با قلم مؤمنانه و رتانی خویش